

جستارهایی در باب قدرت نرم و ارائه راهبردهای مقابله برای ایران

تاریخ دریافت: 90/3/14 تاریخ تأیید: 90/6/25

دکتر غلامرضا ضابط‌پور*

سیدمحمدجواد قربی**

شکست‌های متوالی جنگ سخت باعث گذار از ابزار سخت‌افزاری به نرم‌افزاری شده است که تحت عنوان جنگ/قدرت نرم شناخته می‌شود. جنگی که دارای ظاهری نرم می‌باشد، اما ماهیتی سهمگین‌تر از جنگ و قدرت سخت دارد. از دهه نود میلادی، ایده قدرت نرم در ادبیات سیاسی مطرح و خیلی زود وارد عرصه عمل شد و امروزه تمامی کشورها به دنبال کسب آن و یا افزایش ابعاد آن هستند. ایران هم علی‌رغم داشتن ظرفیت و توانایی‌های زیاد در این زمینه، همواره در چند دهه اخیر با تهدیدات نرم دشمنان مواجه بوده است. از این رو درک و فهم شیوه‌های مقابله با قدرت نرم می‌تواند از ضرورت‌های جست‌وجو در عرصه امنیت ملی باشد. از این رو این نوشتار، درصدد بررسی قدرت نرم و شیوه‌های مقابله با آن است و پیشنهاداتی در این حوزه‌ها در جهت فرایند و تصمیم‌گیری ارائه می‌کند.

واژه‌های کلیدی: قدرت نرم، رویکردهای مقابله‌گرا، جمهوری اسلامی ایران، کارکردها، راهبردهای مقابله.

* عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و دکتر علوم سیاسی دانشگاه

باقرالعلوم (ع)

** کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام.

مؤلفه قدرت، اخیراً در ادبیات سیاسی و مفهوم قدرت جایگاه مناسبی یافته است و هر روز زوایای جدیدی از آن کاویده و عرصه آن گسترده‌تر می‌شود. قدرت، امروزه در صحنه روابط بین‌الملل و در زندگی سیاسی کشورها، کاربرد وسیعی پیدا کرده است.¹ امروزه کاربرد قدرت، تنها به استفاده از ابزارهایی با ابعاد سخت و لمس‌پذیر محدود نیست، بلکه کاربرد ابزارهای گوناگون از جمله قدرت، در تحقق همان اهداف، در حیطه کار دولت‌مردان قرار گرفته است. به همان میزان، در صورت به کار بستن مؤلفه‌های نرم‌افزارانه از سوی جوامع هدف و در معرض تهدید، استحاله فرهنگی - سیاسی را به همراه خواهد داشت.

تأکید بر نرم‌افزارگرایی به منزله اثر بخش‌ترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین، و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور، می‌تواند سطحی گسترده از تخریب را برای جامعه هدف به همراه آورد. به همین منظور، بازیگران سلطه‌گر با کاربرد قدرت نرم و ابزارهای ارتباطی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی معارض را پیش از عملیات نظامی، فرو می‌ریزند.² بنابراین، مجموعه نقصان موجود و شکست‌های متوالی تهدیدهای سخت در محیط بین‌الملل، بازیگران را مجاب کرد که به سمت قدرت جدیدی گام بردارند تا هزینه‌ها، چالش‌ها و تلفات مادی و معنوی را بکاهند.³

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، قدرت‌های استکباری به رهبری آمریکا و معاونت انگلیس با تمامی توان از حداکثر پتانسیل‌های خود برای بازیابی قدرت از دست رفته خود در این خطه جغرافیایی استفاده کردند و بعد از به کارگیری روش‌های مختلف؛ نظیر کودتا، حمله‌های نظامی، ترورهای کور و در نهایت، تحریم‌های اقتصادی به این نتیجه رسیدند که به زانو در آوردن این ملت جز از طریق روش‌های نرم و به ظاهر مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

با این شرایط، شاخص‌های تهدید منطقه‌ای علیه ایران و سایر کشورهای منطقه افزایش یافت. محیط منطقه‌ای ایران صرفاً در شرایطی می‌تواند مقاومت مؤثری در برابر آمریکا و غرب ایجاد کند که ابزارهای در دسترس خود را برای قدرت‌سازی و همچنین مقاومت در برابر تهدیدات افزایش دهد و راهکارهای جدید را در سطح راهبردی و استراتژیک برگزیند.⁴

با این توجه، مقاله حاضر در راستای توسعه مفاهیم تئوریک و اهداف پژوهشی -



کاربردی خویش مترصد پاسخ‌گویی به سؤال‌هایی از این قبیل است. قدرت نرم چیست، چه ارکانی دارد، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است، کارکردها و حوزه‌های اعمال قدرت نرم کدامند، رویکردهای مقابله‌گرا علیه ایران کدامند و در نهایت اینکه چه راهکارهایی برای مقابله با قدرت نرم دشمنان ایران وجود دارد؟ از این رو بعد از بررسی ماهیت قدرت نرم در بخش اول، در بخش دوم به بررسی قدرت نرم اعمال شده علیه ایران می‌پردازیم و در بخش پایانی به ارائه پیشنهادهایی برای مقابله با قدرت نرم دشمنان علیه ایران خواهیم پرداخت.

بخش اول

1. قدرت نرم؛ چارچوب مفهومی

سه راه عمده برای دستیابی به اهداف و منافع ملی یک کشور وجود دارد: اول، استفاده از تهدید به اعمال قدرت و زور، دوم تطمیع کردن و سوم جذب کردن و همکاری به نحوی که آنچه را می‌خواهید انجام دهند. راه حل سوم که گویای شکل قدرت نرم است، نسبت به دو راه حل دیگر، همیشه کم‌هزینه‌تر است. بدین ترتیب، در سال‌های اخیر، «نظریه قدرت نرم» در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مطرح شده است. بر اساس این نظریه، استفاده از قدرت سخت، تنها وسیله در دسترس برای نیل به اهداف نیست و راه‌های دیگری نیز وجود دارد.⁵

مفهوم قدرت نرم برای اولین بار توسط «جوزف نای»، پژوهشگر آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت. این عبارت طی سال‌های دهه 1990 در میان محافل آکادمیک شناخته شد و توجه نظریه‌پردازان را متوجه خود نمود. این مفهوم در مقابل پیش‌گویی‌هایی قد علم کرد که معتقد بودند با پایان جنگ سرد، ما شاهد زوال هژمونی آمریکا در جهان خواهیم بود.⁶

آنچه از محتوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه بر می‌آید، این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضا بر دیگران، اداره دیگران را تابع خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است.⁷

و یا اینکه هر گونه اقدام غیرخسونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق



الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری مورد نظر حاکم تعارض دارد.⁸ قدرت نرم، شیوه غیر مستقیم حصول به نتایج دلخواه است؛ از طریق جذب کردن، نه از راه اجبار یا پاداش.⁹

2. ویژگی‌های قدرت نرم

قدرت نرم دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر قدرت‌ها متمایز می‌سازد: الف) قدرت نرم، یک رابطه است. به تعبیر لاسول، قدرت، رابطه‌ای است میان فردی یا رابطه‌ای که میان افراد است. بنابراین، قدرت نرم، یک منظومه واحد متشکل از اجزاء مرتبط و متقابل است که این اجزاء هم افزایش داشته و هر قدر روابط آن‌ها و نقش‌هایشان به خوبی و در راستای هدف واحد اجرا شود، قدرت نرم بیشتری را تولید می‌کند.

ب) قدرت نرم بر نوعی از ذهنیت‌ها استوار است. قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که بر عینیت‌ها استوار است، مبتنی بر ذهنیت است. در واقع، اطاعت از دیگران (دارندگان قدرت نرم) بر اساس باورها و اعتقادات و به میزان اعتبار و شهرت انجام می‌شود. چنانچه جوزف نای تأکید دارد که اگر دولتی بتواند قدرتش را در نگاه دیگران مشروع جلوه دهد و برای رسیدن به خواسته‌هایش با مقاومت کمتری رو به رو خواهد شد.

پ) قدرت نرم از جنس اقناع است. وجه مشترک قدرت نرم و سخت، متقاعد کردن رقیب است؛ منتها به شیوه‌ای متفاوت. قدرت نرم، دیگران را به تبعیت از هنجارها و نهادهای مورد نظر، یا موافقت با آن‌ها قانع می‌کند. قدرت نرم بر توانایی ارائه دستور کار از رهگذر هنجارها و نهادهایی که ارجحیت‌های دیگران را شکل می‌دهد، استوار است. از همین رو، قدرت نرم به طور گسترده، متکی بر قدرت اقناع و جاذبه است.¹⁰

ت) طولانی بودن نتایج حاصله از تهدید: تهدید و قدرت سخت به محض استفاده و ظهور، در جغرافیای به کار برده شده با تأثیرات کوتاه یا بلند مدت همراه است؛ حال آنکه تهدید و قدرت نرم، گاهی طی سالیان متمادی به کار گرفته می‌شود، اما تأثیرات خارجی ناشی از آن پس از مدت‌ها ظهور پیدا می‌کند.

ث) جنس فرهنگی داشتن: قدرت نرم بر حوزه فرهنگی بیش از سایر ابعاد مد نظر تأثیرگذار است و به همین دلیل نیز این نوع قدرت، اغلب بر هویت هنجاری تأثیرگذار بوده و از آنجا که این نوع تأثیرات از قابلیت لازم برای اندازه‌گیری دقیق برخوردار نیستند، لذا

بعد فرهنگی در این تهدیدات نمود بارز دارد.

ج) تأثیرگذاری بر حوزه‌های مختلف: ویژگی دیگر قابل طرح از قدرت نرم را می‌توان در نوع تأثیرگذاری آن دانست که نه تنها در صورت توفیق کامل، تأثیرات مادی را به دنبال دارد، بلکه در زمینه‌های معنوی نیز مؤثر بوده و قابلیت ایجاد تغییرات-حتی اساسی- را در این بعد دارا می‌باشد.

چ) پیچیدگی: پیچیدگی قدرت نرم به لحاظ طولانی بودن مدت اثر آن از خصایصی است که این نوع قدرت یا تهدید را بسیار متمایز می‌سازد.¹¹

ح) مرجع تهدیدات نرم عمدتاً داخلی است؛ مرجع امنیت در حوزه تهدیدات سخت عمدتاً دولت‌ها و منابع تهدید عمدتاً خارجی هستند؛ در حالی که مرجع امنیت در تهدیدات نرم، محیط ملی و منبع تهدید عمدتاً داخلی است.

خ) هدف قدرت نرم، حذف فیزیکی نیست. هدف در تهدیدات سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف، تصرف و اشغال سرزمین است؛ در حالی که هدف در قدرت نرم، تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.¹²

3. ارکان قدرت نرم

قدرت نرم بر چند رکن استوار است که به شرح زیر است:

الف) باورها و ارزش‌ها: افراد بر اساس باورهای خود، ترجیحاتشان را متناسب با ارزش‌های خویش، نظم و نظام می‌دهند. اعتقاد به خدا، آرمان، وطن و زندگی پس از مرگ و اینکه در نظام‌های دینی، امور اخلاقی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نمونه‌هایی از این دست هستند. ارزش‌ها نیز در ترجیحات انسان دخل و تصرف می‌کنند. به عبارت دیگر، ارزش، واقعیت موجود را مشخص نمی‌کند، بلکه مبین ترجیح ماست از آنچه که باید باشد. به همین ترتیب، ایستارها که از ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای اجتماعی و از بسترهای ویژه تاریخی، اجتماعی، اقلیمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ناشی می‌شوند، جوهره قدرت نرم را تشکیل می‌دهند.

ب) اعتماد: اعتماد که جانمایه سرمایه اجتماعی است، یکی دیگر از ارکان قدرت را تشکیل می‌دهد. اعتماد اجتماعی بر انتظارات، تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط



به زندگی اجتماعی شان دارند. اعتماد، یک عمل دو طرفه است و محققان، آن را به سه دسته تقسیم کرده‌اند. اول، اعتماد عمومی که ناظر به کلیت جامعه است. اعتماد عمومی، آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آن‌ها برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی را نشان می‌دهد. دوم، اعتماد، دانش پایه است که می‌تواند در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد و مبنای آن، دانش است و سوم، اعتماد ویژه که به وجود اعتماد بین عده قلیلی از افراد اشاره دارد.¹³

ج) اعتبار: ضلع دیگر قدرت نرم، اعتبار است. اعتبار و پرستیژ، همواره مد نظر قدرت‌ها بوده و لذا اندیشمندان روابط بین الملل، آن را به مثابه یک منبع مستقل قدرت به شمار می‌آورند. البته اعتبار، ناشی از عوامل مختلفی از جمله حسن انجام وظایف و کارآمدی و... می‌باشد. جوزف نای در این خصوص می‌گوید: اعتبار، یک منشأ تعیین کننده و یک رکن با اهمیت قدرت نرم محسوب می‌شود. از نظر نای، شهرت یا اعتبار، اهمیت بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرده است. دولت‌ها نه تنها با دیگر دولت‌ها بر سر اعتبار به رقابت می‌پردازند، بلکه این کار را با بهره‌گیری از گستره وسیعی از بدیل‌های مختلف شامل رسانه‌های خبری، شرکت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و مجامع علمی صورت می‌دهند.¹⁴

4. کارکردهای قدرت نرم

اگر بپذیریم که درون‌مایه قدرت نرم، متشکل از ایدئولوژی، سبک زندگی، سنت فرهنگی، منابع اطلاعاتی و ساز و کار اجتماعی است، این قدرت دارای کارکردهای زیر خواهد بود:

الف) شکل‌دهی قدرت نرم به نگرش‌ها؛ قدرت نرم می‌تواند به نوع نگاه مردم و نخبگان به پدیده‌ها و ارزیابی آن‌ها از رویدادها شکل دهد. به عبارتی، کشور مقصد می‌تواند با نرم‌افزارگرایی، دریچه‌ای را برای جامعه هدف بگشاید که جهان را بر اساس آنچه از این روزنه می‌بیند، درک کند.

ب) قدرت نرم به منزله یک هدایت‌گر تصمیم‌ساز؛ قدرت نرم می‌تواند با اثرگذاری بر نگرش دولتمردان به مشکلات، راه‌حل‌های آن‌ها را نیز برای برون رفت از بحران‌ها تحت تأثیر قرار دهد.

پ) تأثیر قدرت نرم در کاهش هزینه بقا: زمانی که دولتمردان بتوانند با ساز و کارهای

قدرت نرم، حکومت خود را در عرصه داخلی و بین‌المللی به عنوان نظامی کارآمد و مشروع معرفی کنند، در آن صورت، محیط داخلی و خارجی آن حکومت، با ثبات خواهد بود. بدیهی است که محیط باثبات و به دور از تنش، هزینه بقای نظام را بسیار پائین می‌آورد.

ت) کمک قدرت نرم به آینده‌سازی: آشکار است که دولت‌ها می‌کوشند آینده را متناسب با توان‌مندی‌های خود شکل دهند و بسازند و بی‌تردید، اجزای قدرت نرم و مهندسی آن، در ساختن آینده، منزلتی ارزنده دارد.

ث) قدرت نرم، پشتیبان قدرت سخت است: قدرت نرم، کارهای قدرت‌های اقتصادی، سخت و نظامی را پشتیبانی می‌کند. قدرت سختی که بدون ردای قدرت متقاعدکنندگی و جذابیت باشد، به مثابه مشت‌زنی با حریف خیالی است.¹⁵

5. حوزه‌های اعمال جنگ نرم

بدون تردید اگر دشمن، جامعه‌ای را برای تهاجم خود به عنوان هدف در نظر بگیرد، به دلیل شکل‌گیری ساختار آن جامعه بر ارکان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مسلّم است که این ارکان به سبب نقش مستقیمی که در مقاومت در مقابل دشمن ایفا می‌کنند، در متن و محور فعالیت‌های دشمن واقع می‌شوند؛ به نحوی که مجبور می‌شود با استفاده از تمام توان خود برای یورش به آنها اقدام نماید. با این تفاسیر سعی می‌کنیم تا حوزه‌های تهاجم را بازشناسیم:

5-1. حوزه فرهنگ: در قدرت نرم، بستر و زمینه مورد نظر برای فعالیت‌های دشمن، فرهنگ معین می‌شود؛ زیرا ابزارهای مورد استفاده در تهاجم عمدتاً از ابزارهای فرهنگی و با کارکردهای ذریبط با فرهنگ می‌باشد؛ زیرا چه در قبل از تهاجم و چه در زمان بروز تخاصم بر مبنای تضاد منافع و یا با اهداف توسعه‌طلبانه، این فرهنگ است که در کشورهای تحت تهاجم، کار ایجاد ارتباط بین ارکان ساختاری، اعضاء و عناصر تشکیل دهنده جامعه را بر عهده گرفته و تصمیمات مربوط به سازندگی کلان جامعه، روش‌های ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن را در بین مردم عمومی می‌سازد. دشمن با درک این واقعیت اساسی، مرکز ثقل فعالیت‌های خود را بر تخریب و تغییر در این بخش بنا می‌نهد.

5-2. حوزه اقتصاد: اگر چه هدف تمام فعالیت‌های دشمن در قدرت نرم، در عرصه

فرهنگ دنبال می‌شود، اما همه این فعالیت‌ها زمانی منجر به نتیجه می‌گردد که در آن



جامعه، فقر اقتصادی حاکم باشد تا به دلیل ناتوانی مردم در استفاده از امکاناتی که می‌تواند با ارائه آگاهی‌های لازم و توسعه دانش فنی منجر به فهم دلایل عقب‌ماندگی گردد و یا با کاستن از مشارکت عمومی مانع از آن شود که در صورت عقب‌ماندگی، مردم بدانند که علل عقب‌ماندگی‌شان در چه بوده است. خود به خود علاقه همراهی با دشمن در آن‌ها به وجود می‌آید. برای رسیدن به چنین موقعیتی ضروری است که از تحقق عواملی که در حوزه اقتصاد موجب پیروزی و تسلط دشمن می‌شود، جلوگیری به عمل آید.¹⁶

3-5. حوزه سیاست: محل نمایش محصولات برآمده از جنگ نرم، حوزه سیاست می‌باشد که در آن، بروز پدیده واگرایی و عدم تحمل، حرف اول و آخر را می‌زند. برای پیدایش چنین شرایطی، دشمن راه‌هایی را انتخاب و ابزارهایی را به کار می‌اندازد که شناختن و دریافت مکانیزم تأثیرگذاری آن‌ها می‌تواند برای جلوگیری از گسترده شدن میدان مانور دشمن بسیار حیاتی باشد؛ مثل تلاش برای ترویج بی‌اعتمادی و یأس از آینده حکومت، بی‌تفاوت نمودن مردم به انتخاب‌ها و انتصاب‌های سیاسی، القاء بی‌توجهی سیستم به منافع عامه مردم و غیره.

4-5. حوزه اجتماع: گسترده‌ترین حوزه‌ای که دشمن در قدرت نرم، آن را آماج تاخت و تاز خویش قرار می‌دهد، حوزه حضور اجتماعی انسان و فعالیت‌های منتسب به این حوزه می‌باشد؛ زیرا در این حوزه، رفتارها مفاهیم گوناگونی می‌یابد، به گونه‌ای که بر اساس این مفاهیم می‌توان با راه‌اندازی پروسه‌های هدف‌مندی که بتواند مردم را با مشکل رو در رو سازد، دشمن، راه نفوذ و دخالت در مسائل اجتماعی را بسیار آسان‌تر از حوزه‌های دیگر باز نماید. توجه به این حساسیت است که در تمام دنیا، برای فعالان اجتماعی و فعالیت در این حوزه، ارزش و اعتبار ویژه‌ای قائل شده و در نهایت، سعی خود را به کار می‌گیرند تا فعالان در این حوزه با برخورداری از امتیازات حمایت‌های ویژه بتوانند کار و مسئولیت خود را به درستی به انجام رسانند.¹⁷

با عبور پدیده قدرت نرم از «موضوع» و عینیت یافتن آن سبب گردید مدیریت جامعه حتی در پایین‌ترین سطح، عکس‌العمل نشان داده تا آن را کنترل نمایند. قدرت نرم از جمله پدیده‌هایی است که دارای شیوع نظری اندک و با علام رفتاری زیاد است.¹⁸ با این وجود، بحث‌های تئوریک درباره قدرت نرم در راستای کنترل، مدیریت، درک، تحمل و ارائه راهکارها متمر ثمر می‌باشد و اینجا، وضعیت واژه موضوع به مثابه نخستین تجلی عینی یک پدیده (در مرحله تکوین) کاربرد دارد. باید دانست. که مرحله مدیریت، کنترل و

راهکارهای مقابله‌ای در باب موضوع فوق، نیازمند یافتن پاسخی مناسب (در پرتو اطلاعات در دسترس) برای سؤالات چند گانه زیر است که در بالا به آن‌ها اشاره شد. تعریف و تفسیر مسئله، ویژگی‌ها و شاخصه‌ها، کارکردهای موضوع مطرح شده، حوزه‌های عملیاتی موضوع در حال تبیین و غیره.¹⁹ پاسخ به سؤال‌های بالا گام اساسی و تعیین کننده جهت تعیین راهکارها در جهت مقابله دارد.

بخش دوم

1. به کارگیری قدرت نرم علیه جمهوری اسلامی ایران

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد قدرت متراکم و سخت آمریکا دچار بحران اساسی شده است، به همین منظور، آمریکا در صدد به کارگیری قدرت نرم برای مقابله با حریفان خود به خصوص ایران است.²⁰

ریشه‌های جنگ نرم علیه ایران را باید در نارضایتی‌های عمومی ایجاد شده به وسیله رسانه‌های غربی بررسی کرد که این مسئله موجب می‌شود برخی از گروه‌های غیر دولتی برای رفع مشکلات عمومی به سازماندهی بخش‌های مختلفی از جامعه اقدام کنند و گسترش این نوع سازماندهی باعث افزایش امکان بسیج اجتماعی برای گروه‌های غیر دولتی می‌شود. با تحقق مراحل یاد شده، در واقع، شرایطی به وجود می‌آید که جامعه از لحاظ قدرت اجتماعی گروه‌ها، با چندگانگی مراکز قدرت رو به رو می‌شود. بدین معنا که سازمان‌های غیر دولتی به موازات دولت، توانایی لازم برای تشکیل بسیج اجتماعی از اعضای خود در مقیاسی چشم‌گیر را فراهم می‌آورند.

در چنین حالتی، جامعه به چند دسته تقسیم می‌شود و برخی از نخبگان اجتماعی از اقشار مختلف به عضویت سازمان‌های غیر دولتی در می‌آیند و نیازهای مالی، روانی و اعتبار اجتماعی خود را از نهادهای متفاوت از حکومت تأمین می‌کنند.²¹

تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برهه زمانی کنونی را می‌توان در چارچوب دو نوع تهدیدات نظامی و تهدیدات نرم تقسیم‌بندی کرد. اولویت قائل شدن برای هر کدام از این تهدیدات، استراتژی امنیتی متفاوتی را در برابر تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. در صورتی که تهدیدات نظامی، در تحلیل‌های امنیتی از اولویت برخوردار باشند، استراتژی امنیتی کشور نیز تحت تأثیر تفکرات و رویکردهای نظامی و سخت افزاری قرار خواهد گرفت. استراتژی دشمنان جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی مبتنی بر اقدامات غیر



نظامی و نرم در کنار تهدید به اقدام نظامی است. هدف اصلی دشمن از چنین اقداماتی، تضعیف حاکمیت ایران و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی کشور است. به عبارت دیگر، آمریکا و سایر دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر گفتمان اقدام نظامی علیه ایران سعی می‌کنند استراتژی امنیت ملی ایران را به سوی برنامه‌ریزی‌های پرهزینه سوق دهند.²²

البته ایران دارای مبانی قدرت نرم است که به مقابله با هجمه نرم دشمنان می‌پردازد. این منابع و عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: مقبولیت و محبوبیت منطقه‌ای، رهبری مقتدر، نیروی انسانی کارآمد، انسجام اجتماعی و همگرایی درونی، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی کشور، تاریخ تمدن و هویت فرهنگی تاریخی و دینی، روحیه شهادت‌طلبی، مشروعیت سیاسی و اجتماعی، کارآمدی دولت، رضایت عمومی، قدرت و نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیکی و... برخی از عناصر و مؤلفه‌های قدرت در جمهوری اسلامی می‌باشند.²³

2. طبقه‌بندی رویکردهای مقابله‌گرا در برابر تهدید ایران

در میان مراکز سیاست‌گذاری آمریکا در خصوص ایران و نحوه مقابله با تهدیدات آن، چهار دیدگاه مشخص وجود دارد:

- 1- دیدگاه نخست از آن‌ها نومحافظه‌کاران است که اقدام نظامی و تغییر رژیم از طریق حمله نظامی محدود یا گسترده آمریکا را به ایران تجویز می‌کنند.
- 2- دیدگاه دوم متعلق به کسانی است که خواهان درگیرسازی¹ ایران هستند. به اعتقاد آن‌ها قطع روابط ایران و آمریکا، ابزارهای قدرت آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران را به شدت تضعیف و محدود کرده است؛ چرا که اطلاعات آمریکا از داخل ایران بسیار ضعیف است. به علاوه، کلیه تهدیدات ایران قابل انتساب به ماهیت رژیم حاکم نیست. برقراری ارتباط و درگیرسازی این کشور موجب ایجاد پیوندهایی با حکومت و افراد میانه‌رو می‌شود و آن‌ها را در مقابل اقدامات افراطی آسیب‌پذیر می‌کند. در چنین وضعیتی، رفتار آن‌ها در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، مسئولانه‌تر می‌گردد. این دیدگاه به ثبات و تداوم جریان انرژی، برقراری ثبات و آرامش در منطقه و روی کارآمدن حکومت‌های دموکراتیک و مردمی در عراق و افغانستان و توسعه و پیشرفت خاورمیانه به عنوان منافع

مشترک آمریکا و ایران اشاره می‌کند.²⁴

2-3. دیدگاه سوم که مورد حمایت کمیته سیاست‌گذاری در مورد ایران است، از نظر ماهیت رژیم منشأ تهدیدات علیه آمریکا به دیدگاه نخست نزدیک است، اما ابزارها و مکانیزم‌های آن را ناکافی و پرهزینه می‌داند. طرفداران این دیدگاه نیز، خواستار تغییر رژیم در ایران هستند. اما به جای اقدام مستقیم نظامی آمریکا، بر مخالفت ایرانیان با جمهوری اسلامی تأکید دارند. مطابق این دیدگاه، آمریکا باید گزینه‌های دیپلماتیک و نظامی و توانایی اعمال آن‌ها را برای خود حفظ کند، ضمن اینکه برای ایرانیان مخالف به منظور تسهیل فرایند تغییر رژیم، نقش محوری قائل می‌شود. این نظریه‌پردازان بر توان تسلیحاتی جمهوری اسلامی و مسائل هسته‌ای آن بر پیامدهای منطقه‌ای تأکید می‌کنند.

2-4. دیدگاه چهارم که با قدرت‌یابی دموکرات‌ها به رهبری اوباما نمود آشکارتر و مؤثرتری یافته است، تأکید بر تداوم سیاست مهارⁱ به انضمام سیاست درگیرسازی محدودⁱⁱ محدودⁱⁱ ایران می‌باشد.

محور این سیاست تلفیقی، گسترش تدریجی تحریم‌ها، افزایش سطح فشارها و تشدید محدودیت‌های ساختاری در حوزه‌های داخلی و خارجی ایران است. از این دیدگاه، کنترل ایران با محدودسازی توان بازتولید آن در حوزه‌های مختلف قدرت؛ اعم از نظامی، استراتژیک، اقتصادی و سیاسی عمل می‌گردد. به همین دلیل نیز در مقابله با تهدید ایران، نباید صرفاً بر حوزه سخت‌افزاری متمرکز بود، بلکه باید به معامله کلانⁱⁱⁱ با این کشور پرداخت. به این معنا که مجموع مناقشات و اختلافات دو کشور اعم از امنیتی و سیاسی در محیط منازعه ممتد مورد توجه قرار گیرد و این مستلزم سیاست مهار ایران است.²⁵

شواهد و قرائن فوق، نشان‌گر واقعیت داشتن هجده دشمنان علیه جمهوری اسلامی است. از این رو باید راهکارهایی در راستای مقابله با این تهدیدات نرم ارائه داد.

بخش سوم

1. راهکارهای مقابله با قدرت نرم برای ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تنومند شدن آن در دهه اخیر، ما همواره شاهد هجده

نرم دشمنان در چهره‌های متنوعی چون عملیات روانی، ناتوی فرهنگی، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، سایبرنتیک، جنگ رسانه‌ای و غیره هستیم. از این رو، بررسی و کنکاش برای ارائه راهکار ضروری می‌نماید. باید دانست که راهکارها بر اساس مقتضیات زمان و مکان خاص مشخص می‌گردد و منطق راهکارهایی که در اینجا مطرح می‌شود، اهداف مشخصی را پی‌جویی می‌کند. به محدودیت‌ها و موانع موجود توجه دارد و در نهایت به مقدرات و امکانات نیز متوجه است. پس می‌توان گفت. راهکارهای مطرح در ذیل، مقبول و مشارکت‌زا، متناسب با تهدیدات نرم علیه ایران، تمرکز بر تهدیدات نرم مهم‌تر، رفع کم‌هزینه و سریع تهدیدات نرم و شدنی و قابل اجرا هستند، این راهکارها به شرح زیر می‌باشند:

1-1. راهکارهای سیاسی

برای مقابله با تهدیدات نرم در عرصه سیاست راهکارهایی وجود دارد که در ادامه می‌آید:

1-1-1. پذیرش وجود جنگ

نخستین گام در مقابله با جنگ نرم دشمنان علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران، پذیرش وقوع جنگ است. مخفیانه و پنهانی بودن از ویژگی‌های جنگ نرم است. به همین دلیل برای بسیاری از افراد، قابل شناخت نیست و حتی گاهی انکار هم می‌شود و مدعیان وقوع جنگ به منزله افرادی وهم زده و خیال زده معرفی می‌شوند. فهم وقوع چنین جنگ‌هایی نیازمند بصیرت و روشن‌بینی ویژه‌ای است.²⁶

1-1-2. دشمن شناسی

یکی از گام‌های مهم در مبارزه و مقابله با دشمن، شناخت دشمن است، که این شناخت از ضروریات ابتدایی هر مبارزه و رویارویی است. شناخت دشمن و آگاهی از جایگاه و قدرت او از ضروریات عقلی است و عدم اطلاع کافی از دشمن، خطر شکست را در پی دارد.

برای شناسایی، کنترل و شکست دشمن لازم است اطلاعات کافی از اهداف دشمن، ریشه‌ها و علل دشمنی، روش‌های به کارگیری شده توسط دشمن و به بیان دیگر، توطئه‌شناسی یا روش‌شناسی دشمن، راه‌کارها و تاکتیک‌های مقابله با دشمن وجود داشته



باشد. در این میان، شناخت ابزارها، روش‌ها و تاکتیک‌های دشمن در جنگ نرم و نبرد فرهنگی، اهمیت مضاعف دارد و می‌بایست با شناخت منابع قدرت نرم جبهه خودی، ابزارها و منابع قدرت نرم جبهه دشمن را کنترل و بی‌اثر کرد.²⁷

1-1-3. تقویت توان بسیج عمومی و تعهد نیروهای مسلح

بسیج عمومی تقریباً تنها عاملی است که کشورهایی مانند ایران می‌توانند برای مقابله با امکانات گسترده‌تر غرب به کار گیرند. اشکال مختلف بسیج عمومی، نقش تعیین کننده‌ای در این مقابله ایفا می‌نماید، ولی میزان بسیج عمومی مورد لزوم برای مقابله با نفوذ خارجی بیش از مقدار لازم برای پایان بخشیدن به سلطه غرب است. در کشورهایی مانند ایران، تحرک نیروهای اجتماعی می‌بایست در قالب تهیج سیاسی و همچنین حداکثرسازی تحرک گروه‌های ایدئولوژیک انجام پذیرد، در حالی که تحرک اجتماعی در کشورهای غرب بر اساس کارآمدی نهادهای مدرن شکل گرفته است. می‌توان تأکید کرد که قالب‌های انقلابی و ایدئولوژیک صرفاً در شرایطی می‌توانند از پویایی، کارآمدی و مطلوبیت لازم برخوردار باشند که نظام سیاسی از توان لازم برای بسیج گروه‌های اجتماعی برخوردار باشد. اگر نیروهای جوامع انقلابی، فاقد سازمان‌یافتگی باشند، طبعاً در آن شرایط، دچار انفعال و رکود می‌شوند. به عبارت دیگر، تداوم انگیزش‌های انقلابی را می‌توان به مثابه عامل مؤثری در قدرت‌سازی و تداوم انسجام محیطی کشورها دانست.²⁸ نیروهای اجتماعی صرفاً در شرایطی می‌توانند با تهدیدات مقابله نمایند که از قابلیت‌های اجتماعی و مطلوبیت‌های سازمانی بهره‌مند شوند. اگر نیروهای سازمان یافته در راستای نیل به اهداف اقتصادی، سیاسی و استراتژیک جدیدی بسیج شوند، طبعاً به مطلوبیت‌های مؤثرتری در این ارتباط دست خواهند یافت.²⁹

1-1-4. هوشیاری دستگاه‌های مسئول جمهوری اسلامی ایران

وظیفه دستگاه‌های مسئول جمهوری اسلامی در اجرا و مقابله با جنگ رسانه‌ای به شرح ذیل است:

- برنامه‌ریزی میان مدت و بلند مدت در خصوص مقابله با جنگ رسانه‌ای نظام سلطه و اجرای جنگ رسانه‌ای علیه آن.

- توسعه کمی و کیفی دستگاه‌های مرتبط و امکانات و تجهیزات مورد نیاز.

- شناسایی عوامل و امکانات داخلی و منطقه‌ای مرتبط.



- آموزش، توجیه و تربیت متخصصین مورد نیاز این نبرد.
- برگزاری همایش، نشست‌های تخصصی و هم‌اندیشی، ارتقاء سطح فعالیت‌های رسانه‌ای.
- بهره‌گیری از فناوری‌های برتر و امکانات نوین ارتباطی در جهت مقابله با هجوم رسانه‌ای و غیره.³⁰
چون مسئولین کشور از توان‌مندی‌های مدیریتی و اجرایی برخوردار هستند، توجه و هوشیاری آن‌ها به مسائلی از این دست مهم می‌باشد.

1-1-5. تأسیس مرکزی برای ترویج قدرت نرم جمهوری اسلامی

همان‌گونه که غربیان، بنیادها و مراکز مختلفی برای مطالعه درباره ایران و جمهوری اسلامی شکل داده‌اند و هزینه‌های هنگفتی برای آن صرف می‌کنند، ما نیز باید مراکز را مختص این کار تأسیس کنیم و درباره نحوه انتقال ارزش‌های اسلامی به مردم و نخبگان کشورهای دیگر، مطالعات عمیق داشته باشیم. روشن است که بدون شناخت دقیق و همه‌جانبه از جامعه هدف، چندان امیدی به اثرگذاری فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی نباید داشت.

گاهی مشاهده می‌شود بدون شناخت کافی از حساسیت‌ها و دغدغه‌های اجتماعی جامعه هدف، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد که عملاً نتیجه عکس می‌دهد. به همین دلیل، لازم است در حوزه‌های مختلف، اتاق‌های فکر با مشارکت فعالانه اندیشمندان و نخبگان حوزه و دانشگاه و استفاده از همه ظرفیت‌های سفارتخانه‌ها و رایزنی‌های فرهنگی در خارج از کشور تشکیل شود. این مراکز با مطالعات واقع‌بینانه و دقیقی که دارند، می‌توانند دور از جنجال‌های سیاسی و حزبی، استراتژی‌های لازم را برای ترویج و تبیین قدرت نرم جمهوری اسلامی تدوین کرده و در مرحله بعد، تاکتیک‌های لازم را برای عملیاتی شدن آن‌ها به مسئولان مربوط ارائه نمایند.

1-1-6. رفع نقاط ضعف ساختار و نهادهای حکومتی

رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت ساختارها و نهادهای حکومتی، از شروط ضروری نهادینه‌سازی آن‌هاست. از همین رو، کاربست برخی از راه‌کارها در دستیابی به این هدف و تأمین این وجه از امنیت ملی، از طریق موارد زیر مؤثر است:
الف) پایان بخشیدن به اختلاف‌ها و تعارض‌های درون ساختاری و منازعات جناحی و

سیاسی مسئولان به منظور همگرایی اجزای مختلف حکومت و رسیدن به انسجام درون حکومتی.

ب) بالا بردن سطح کارآمدی مدیران و مسئولان حکومتی.

ج) نهادینه‌سازی مشارکت‌گرایی ملی در اداره امور کشور از راه ایجاد ساز و کار فرایندهای قانونی.

د) بازنگری در رویه‌ها و روش‌های ناکارآمد به کار رفته در نهادهای حکومتی.³¹

1-1-7. ضرورت‌های استراتژیکی برای اتخاذ راهبرد ائتلاف و اتحاد (الزامات امنیتی)

وجود تهدیدات و خطرات ناشی از حضور و نفوذ آمریکا در محیط بلافصل امنیت ایران و ضرورت تأمین امنیت به وسیله کشورهای همسایه نظیر کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای خزر و لزوم داشتن مرزهای امن، موجب شده تا ایران به سمت همکاری‌های امنیتی و دفاعی با کشورهای همسایه گرایش پیدا کند تا از طریق این همکاری‌ها، هزینه‌های امنیتی و دفاعی خود را کاهش دهد. برای ایران، امنیت در دو زمینه مهم و مؤثر است:

1) تأمین امنیت ملی. واقعیت این است که ایران، کشوری است دارای پانزده همسایه با منافع متضاد؛ بنابراین، فوریت‌های سیاست خارجی بایستی بر اساس تأمین امنیت ملی باشد و راه رسیدن به امنیت، گرایش به سوی همگرایی و کاهش تشنج‌های فی مابین است.

2) امنیت منطقه‌ای. که می‌بایست، به موازات امنیت ملی برای ایران از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار باشد و در همکاری امنیتی و دفاعی با کشورهای منطقه پیشگام باشد. لازمه ثبات، آرامش و امنیت در منطقه، حفظ و ارتقای سطح ارتباطات و همکاری میان کشورهای است.³²

از این رو، ثبات در سطح منطقه، سبب ایجاد یک ثبات و نظم در داخل کشور می‌گردد و این نظم به مبارزه با بی‌ثبات‌سازی‌های تهدیدات نرم می‌پردازد.

1-1-8. بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های دشمنان

در مقابله با جنگ نرم دشمنان، یکی از مؤثرترین راه‌های مبارزه، استفاده از همان ابزارها و روش‌های دشمنان است. توضیح آن که ما معتقدیم باورها و ارزش‌های ما، حق بوده و باورها ارزش‌های خلاف آن، اموری باطل و نادرست هستند. باطل، همان طور که



از نامش پیداست، پوچ و بی محتوا و بی ریشه است. حال اگر می بینیم که باورها و ارزش های اهل باطل، این گونه در سراسر جهان تأثیرگذار بوده است، رمز موفقیت آن ها را باید در ابزارها و شیوه های تبلیغی شان جست و جو کرد. حال اگر برای تبلیغ جبهه حق، از همان ابزارها و روش ها استفاده کنیم، بدون شک تأثیرگذاری آن، دوچندان خواهد شد و خیلی سریع، بسیاری از اذهان و قلب های جویای حقیقت را در سراسر گیتی در کمند جاذبه حقانیت و عقلانیت خود خواهد انداخت.

بسیاری از افرادی که به دنبال اندیشه ها و رفتارهای باطل می روند، در حقیقت، تشنگانی هستند که به گمان دست یابی به آب، در پی سراب می گردند. اگر دشمنان ما، از ابزارهای رسانه ای، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عاطفی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی استفاده می کنند، ما نیز برای خنثی کردن تبلیغات آن ها و همچنین به منظور ترویج اندیشه های ناب اسلامی و برای تقویت قدرت نرم خود، لازم است همه این ابزارها را در خدمت بگیریم و در این عرصه از هیچ کوششی فروگذار نکنیم.

9-1-9. مدیریت قدرت نرم در حوزه دفاعی - امنیتی

بالا بودن ثبات و امنیت در یک جامعه به مثابه یکی از شاخصه های اقتدار و قدرت ملی آن به شمار می آید. هر قدر ثبات و امنیت ناشی از ساز و کارهای نرم افزاری و به معنای کلی آن مردمی باشد، بادوام تر و پایدارتر می باشد. نتیجه امنیت پایدار، پیشگیری از تهدید بیرونی است. برای مثال، تحلیل گفتمان صاحب نظران آمریکایی در واکنش به دیدگاهی که رویارویی نظامی علیه ایران را تجویز می کنند، قابل توجه است. ریچارد هاوس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا در مقاله خود تحت عنوان «خاورمیانه جدید» ضمن طرح این مبانی که ایران دارای ثبات و امنیت بالایی است و اساساً در آستانه انقلاب نمی باشد، نتیجه می گیرد:

درباره ایران، گزینه تغییر نظام، چیزی نیست که در آینده نزدیک انجام شود، اقدام نظامی هم خطرناک خواهد بود و درباره بازدارندگی هم تردید وجود دارد. با این حال، فضای برآمده از این کارکرد، تصویری از ایران در داخل و خارج ارائه خواهد داد که در قدرت نرم ایران بسیار مؤثر می باشد.

بر اساس نگرش سیستمی برای اینکه قدرت نرم مدیریت شود، باید چرخه تولید قدرت نرم در کل سیستم از یک سو و در سیستم های فرعی از طرف دیگر، تشخیص، هدف گذاری و سرمایه گذاری گردد. در این صورت، اثربخشی و کارآمدی مدیریت قدرت

نرم افزایش خواهد یافت.³³ از این رو، جمهوری اسلامی ایران باید تلاش مجددانه‌ای در راستای توجه به چرخه تولید مبذول دارد.

1-1-10. عملیات روانی متقابل

عاملان تهدید نرم از تبلیغات، فنون مجاب‌سازی، روش‌های نفوذ اجتماعی و عملیات روانی به منزله روش‌های تغییر نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های جامعه هدف استفاده می‌کنند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد با عملیات روانی و تبلیغات خلاقانه متقابل می‌توان از دامنه تأثیر روش‌های مورد استفاده دشمن کاست.³⁴

پس یکی از راهبردهای مقابله‌ای ایران با ابعاد تهدیدآمیز قدرت نرم، مهندسی معکوس روانی و عملیات روانی متقابل با دشمنان است که می‌تواند تهدید را به یک فرصت تبدیل سازد. درکنار عوامل فوق، توجه به راهکارهای ذیل می‌تواند در ناکارآمدی هر چه بیشتر تهدیدات نرم در ایران نقش، مؤثری ایفا نماید:

- تقویت ظرفیت‌ها و قابلیت‌های رسانه‌ای ایران در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی.
- توجه به شکاف‌های قومی، فرقه‌ای، صنفی و دانشجویی با اتخاذ راهبردهای مناسب.
- ایجاد رابطه نزدیک و مناسب با نخبگان کشور.
- کاهش قدرت اثرگذاری بیگانگان بر نهادهای مدنی داخل کشور با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و سایر عوامل که نیازمند کنکاش بیشتری می‌باشد.

1-2-1 راهکارهای اقتصادی

راهکارهای مطرح در سطوح اقتصادی به شرح زیر است:

1-2-1-1. مواجهه با دشمن در عرصه اقتصاد

با توجه به جایگاه اقتصاد در تأمین منابع برای دستیابی به توسعه و همچنین تولید فرصت بهینه‌سازی توان تولید امکانات و منابع، نقش بسیار ارزنده در ساختن جامعه دارد. متأسفانه ما در این زمینه کمتر با دیده عبرت گرفتن از آن به مسائل موجود در این عرصه توجه می‌کنیم. همین تساهل و تسامحی که به کار گرفته شده است کارها را در راه انداختن اقتصادی سالم با مشکل مواجه کرده و باعث می‌شود دشمن با این برداشت که این کشور، بازار مناسبی می‌باشد، برای فروش اجناس خود، توطئه‌هایی را به کار برد که نتیجه آن، ممانعت از توسعه اقتصادی کشور و وابستگی آن به خارج می‌باشد. از این رو

مجبور هستیم اقتصاد ملی را با توجه به موارد ذیل تقویت نموده تا راه ورود دشمن بسته شود:

- الف) جلوگیری از درآمدهای غیر کارکردی؛
- ب) تلاش برای استخراج کالاهای تکمیل شده از مواد اولیه طبیعی؛
- ج) مفهومی نمودن توسعه پایدار؛
- د) ایجاد رقابت واقعی در داخل (بین مردم و شرکت‌ها) و خارج (دولت با دیگر دولت‌ها)؛
- ه) تدوین و تفسیر برنامه‌ها³⁵ البته با توجه به نگاهی این چنین به مسائل اقتصادی، ضرورت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بیش از پیش خود را نشان می‌دهد.³⁶



1-2-2. دستیابی به قابلیت‌های تکنیکی و حداکثرسازی خودکفایی

کشورهایی که به قدرت ملی مؤثرتری دست یافته‌اند، از این قابلیت برخوردار می‌گردند که توان تکنیکی و قابلیت‌های ابزاری خود را در زمان محدود سازماندهی نمایند. به این ترتیب می‌توان تأکید داشت که خودکفایی به مثابه معیاری برای ارزیابی سایر جزئیات تشکیل دهنده امنیت ملی عمل می‌کند. در واقع، خودکفایی جزء لاینفک هدف قدرت‌سازی و نیز امنیت ملی می‌باشد. خودکفایی که به معنای عدم تکیه بر امکانات اقتصادی یا نظامی سایر کشورهاست و برای حیات ملی ضروری می‌باشد، تصور می‌گردد در کنار متاع‌های سنتی قدرت، مثل قدرت نظامی و توان اقتصادی به منزله جزء بالارزش دستگاه دفاعی کشور محسوب می‌شود. به هر میزان، آرمان خودکفایی مورد توجه رهبران سیاسی و استراتژیک قرار گیرد، طبعاً آن‌ها خواهند توانست غرور ملی و انتظارات ایدئولوژیک خود را با یکدیگر ترکیب نموده و از این طریق، خودکفایی را به عنوان کالای قدرت در روند امنیت‌سازی به کار گیرند.

1-2-3. ضرورت توسعه‌گرایی

در عصر جهانی شدن، توسعه‌گرایی در اولویت سیاست‌های کلان بسیاری از کشورها قرار گرفته است و از آنجا که موجب پیشرفت و تأمین رفاه شهروندان می‌شود، به مثابه عنصر قدرت نرم تلقی می‌گردد؛ زیرا در این فضای توسعه‌گرایانه بازار - محور، امکان مقایسه مستمر وضعیت پیشرفت و رفاه شهروندان کشورهای مختلف برای یکدیگر فراهم

شده است. قدرت نوظهور این کشورها در قالب جنبه‌های قدرت نرم و توان‌مندی‌های اقتصادی هر چه بیشتر بروز می‌کنند. این تحولات، حاکی از آن است که مؤلفه‌های تأثیرگذار قدرت در قوام و نقش‌آفرینی نظام‌های سیاسی نسبت به گذشته تغییر یافته و مؤلفه‌های توسعه‌ای، همچون توانایی و کارآمدی دولت‌ها در تأمین رفاه و پیشرفت شهروندان، اهمیت بیشتری یافته است.

به عبارت دیگر در این فضا، دولتی موفق قلمداد می‌شود که علاوه بر تأمین امنیت، بتواند برای شهروندان خود، توسعه، رفاه و پیشرفت بیشتری را به وجود آورد. طی کردن مسیر توسعه‌گرایی و تمرکز بر قدرت نرم، یکی از ضروریات دنیای امروز است. در این راستا، دورنمای توسعه ملی ایران، حاکی از ضرورت و خواست تغییر جهت اساسی از نگرش صرف سنتی امنیت-محور به نگرش توسعه-محور تعاملی با جهان ضمن حفظ ملاحظیات امنیتی و تلاش برای برون‌رفت از فضای ضد توسعه‌ای مسلط بر خاورمیانه است. در واقع، سند چشم‌انداز بیست ساله، نشانه آن است که جمهوری اسلامی ایران درصدد کسب قدرت نرم، یعنی ابزارهایی برای توسعه‌گرایی می‌باشد که در نتیجه می‌تواند به کارآمدی اقتصادی و تأمین امنیت و رضایت بیشتر شهروندان منجر شود و برای این منظور، ناگزیر از تعامل سازنده با جهان است.³⁷ پس حرکت به سمت توسعه‌گرایی سبب کسب امکانات و رفع تهدیدات نرم دشمنان می‌گردد.

3-1) راهکارهای اجتماعی و فرهنگی

راهکارهای مقابله با قدرت نرم در سطح اجتماعی و فرهنگی به شرح زیر است:

1-3-1. مهندسی فرهنگی

لازمه مهندسی فرهنگی، این است که همه دستگاه‌های فرهنگی با هم هماهنگ شوند. در خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های مردمی خیلی نمی‌شود دخالت نمود. ولی در حوزه‌های فرهنگی نهادهای دولتی لازم است مهندسی فرهنگی صورت گیرد. امروز، مردم مهندسی فرهنگی را از حاکمیت می‌خواهند و انتظار دارند به آن انسجام داده شود. مهندسی فرهنگ کشور بدین مفهوم است که با یک بصیرت و یک فکر کلان و نگاه برتر و بالاتر، همه جریان‌های فرهنگی داخل کشور دیده شود، فرهنگ موجود کشور شناخته شود و مشخص گردد که عناصر با چه کیفیتی باید باشند و حقیقت فرهنگ باید به کدام سمت برود. اگر در آن ضعف‌هایی وجود دارد، آن را اصلاح کرد و اگر در آن نفوذی هست،



راه نفوذ بسته شود. این حرکت به سمت مطلوب باید هدایت و مراقبت شود. هدایت و مراقبت به سمت مطلوب با مهندسی فرهنگی کشور انجام می‌پذیرد.³⁸

1-3-2. دفاع از دین و مذهب

دین اسلام باعث سعادت جوامع بشری است و دشمنان به خوبی می‌دانند آنچه باعث ناکامی آن‌ها در مبارزه با انسان‌های حق طلب است، پایبندی و اعتقاد راسخشان به دین است. به همین سبب، برای رسیدن به اهداف شوم خود با دین و مکتب حق به مبارزه و مقابله می‌پردازند و سعی می‌کنند مقدسات و اعتقادات مردم را سست کرده و به انحراف بکشانند. در این مورد، دشمنان از شیوه‌های مختلفی برای رسیدن به خواسته‌های پلید خود استفاده می‌کنند که از شیوه‌ها و شگردهای محوری و بارز جنگ نرم بر ضد حرکت نظام توحیدی به شمار می‌آید. مقابله با این شیوه‌ها و شگردها فراتر از یک وظیفه ملی و انسانی است که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

الف) احترام به مقدسات و شعائر مذهبی.

ب) پاسخ‌گویی به تبلیغات و جوسازی جریان باطل.

ج) برخورد با شریعت‌سازی انحرافی در برابر دین حق.

د) واکنش در برابر تمسخرکنندگان دین و احکام دینی.

ه) شفاف‌سازی جبهه حق و باطل.

و) مذمت روحیه اشرافی‌گری.³⁹

1-3-3. مبارزه جدی با فساد و فحشاء

مهم‌ترین شیوه دشمنان دین به عنوان یک راهبرد، نشر فساد و فحشاء در جوامع اسلامی و دینی است. دشمن اگر دیروز با ابزار غیر مدرن و فقط در کاباره‌ها و خیابان‌ها توانسته بود جوان‌ها را فاسد کند، امروزه با ابزارهای مدرن دیجیتال (رایانه، اینترنت، سایت‌های مبتذل، ماهواره و هزاران فیلم و CD فاسد) به درون خانه‌ها نفوذ کرده و قهراً خطرش بیش از گذشته است.⁴⁰ لذا مقابله با این شیوه، یک مبارزه جدی می‌طلبد.

1-3-4. مقابله با برنامه‌های ماهواره‌ها

ماهواره‌های موجود همواره بر فراز جهان، از طرفی بر زمین مسلط بوده و از سوی دیگر، تأمین‌کننده اهداف هدایت‌کنندگان آن‌ها هستند و این نوع ارتباط، بیشتر جنگ روانی و تهاجم فرهنگی است. از این رو باید مردم خود را از گرداب هولناک ماهواره‌ها

نجات دهیم و از طرف دیگر، باید با برنامه‌های برون‌مرزی مقابله به مثل نمائیم. باید با ارسال برنامه‌های مفید، اصیل و مهم‌تر از همه، جذاب برای ملت خود و سایر ملل، عرصه را بر استعمارگران تنگ نمائیم. این عمل اگر با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده صورت گیرد، در نهایت موجب رونق اقتصادی، شکوفایی تمدن، فرهنگ و استعدادهای بالقوه درونی و چندین تأثیر مثبت دیگر خواهد شد. پس به طور کلی باید دو اقدام عمده در مورد درمان و مقابله در این جنگ نابرابر صورت گیرد.⁴¹

1) اقدامات درون‌مرزی

در این زمینه، مهم‌ترین اقدامی که می‌تواند صورت گیرد، افزایش سطح آگاهی مردم از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی است. تبیین این حقیقت که برنامه‌های ماهواره‌ای چه عواقب سوئی در پی دارد، وقتی مؤثر است که اعضای یک جامعه به عواقب آن آگاه باشند. قدر مسلم، گام مهم و جدی در راه جلوگیری از اشاعه برنامه‌های ماهواره‌ای برداشته خواهد شد.

2) اقدامات برون‌مرزی

اقدامات درون‌مرزی کافی نبوده و نیاز مبرم به اقدامات برون‌مرزی نیز می‌باشد. اولین گام در این زمینه، ارائه برنامه‌های برون‌مرزی مشتمل بر مسائل فرهنگی، مذهبی و تبلیغی می‌باشد.

این عملکرد شاید در نظر اول منطقی جلوه نکند و گمان رود که نیازی به این کار نباشد، ولی با تعمق و ژرف‌نگری در این مسئله، لزوم آن آشکار می‌شود. ارائه چنین برنامه‌هایی اگر از طریق ماهواره باشد، بهتر و تأثیر آن بیشتر خواهد بود.⁴² پس جای هیچگونه تردیدی نیست که کشورهای کمتر توسعه یافته، برای حمایت از فعالیت‌های فنی، علمی و بومی خود به تکنولوژی‌های جدید مثل ماهواره‌ها نیازمند هستند.⁴³

1-3-5. تهیه طرح جامع تعلیم و تربیت اسلامی

گسترده‌ی دانشگاه‌ها و طیف وسیع دانشجویان و میلیون‌ها دانش‌آموزی که سالانه در مدارس مشغول تحصیل‌اند، ما را از سخن درباره ضرورت داشتن طرحی جامع در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی بی‌نیاز می‌کند. خیل عظیمی از نوجوانان و جوانان که بخش زیادی از عمر خود را در مدارس و دانشگاه‌ها می‌گذرانند، ایجاب می‌کند به آموزش و پرورش



آن‌ها به صورت جدی‌تر پرداخته شود. اگر به منابع درسی و آموزشی آن‌ها توجه نشود و مدارس و دانشگاه‌های ما، به ویژه در رشته‌های علوم انسانی، صرفاً جای نظریه‌های غربی و سکولار باشد، باید هر زمان انتظار وقوع فتنه‌های بزرگی را داشت. اگر ما نظام تعلیمی و تربیتی خود را مورد بازنگری قرار ندهیم، دیری نمی‌پاید که جامعه ایمانی ما از درون تهی خواهد شد.⁴⁴ و قشر جوان که از سرمایه‌های فرهنگی-اجتماعی و تولید کننده علم و قدرت یک جامعه هستند، در پروژه قدرت نرم رو به زوال و اضمحلال گسیل داده می‌شوند.

1-3-6. لزوم مواجهه علمی با جنگ نرم

هدف غایی جنگ نرم، نفوذ تسلط بر مدارهای ذهنی و قلبی انسان‌هاست؛ به گونه‌ای که خواست و اراده انسان‌های هدف، همان خواست کشور مقابل باشد. برخی بر این باورند که دستیابی به این اهداف، یک شبه به ذهن دشمن خطور کرده و فردای آن روز دست به کار شده است و همچنان مشغول برنامه‌های تعریف شده اولیه است، ولی واقع امر این است که آنچه امروز در جریان است، محصول پیچیده‌ترین مراکز علمی و تحقیقاتی است که از سال‌ها قبل و با استفاده از مجرب‌ترین کارشناسان در رشته‌های مختلف تدارک دیده شده است و به دلیل ساختار منعطف و سیال آن، پیش‌بینی و مقابله با برنامه‌های آتی نیز امری دشوار و خطیر به شمار می‌رود. به همین علت در این بخش، راهکارهای مواجهه علمی در مقابله با جنگ نرم در قالب تحقیق و آینده‌پژوهی در جنگ نرم ضروری می‌نماید.

1-3-7. الگوپروری

بر اساس نتایج علمی و تجربی، هر فردی نیازمند الگویی است که آن را سمبل و نماد حرکت‌هایش قرار دهد. نقش سمبل‌ها و الگوها جهت‌دهی ارزش‌ها و هنجارها و حتی باورهای انسان‌هاست. الگوها باعث تأیید عمل و تشویق دیگران می‌شود. جامعه‌ای که برای ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر خود، الگوسازی می‌کند و الگوهای متناسب با خواست و نیازهای افراد جامعه‌اش ارائه می‌دهد، به همان اندازه، رفتارها و کنش‌های مطلوب از جامعه، اجتماعات، نهادها و افرادش می‌بیند. هیچ جامعه‌ای بدون انتشار الگوهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی خود نمی‌تواند به نهادینه‌سازی ارزش‌هایش بپردازد و حتی در تقابل فرهنگی با موفقیت بر رقیب مسلط گردد. یکی از این الگوها که امروزه

دنیای استکبار به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی را در منطقه خاورمیانه و فلسطین اشغالی به شگفتی وا داشته، عملیات استشهادی فرزندان فلسطینی است که با آغوش باز و آگاهی زیاد وارد این صحنه شده و جان خود را فدای آزادی و شرافت و حیثیت اسلامی و ملی خود می‌نمایند. کاری که دشمن مجهز به آخرین دستاوردهای تکنولوژیک نظامی را به ستوه آورده است. بر اساس این رهیافت، مسئولین کشوری خصوصاً مسئولین فرهنگی نظام جمهوری اسلامی وظیفه دارند با ارج نهادن به الگوهای دوره دفاع مقدس و تاریخ علوی، بستر لازم را برای الگوگیری از آن‌ها فراهم نمایند.⁴⁵

1-3-8. توجه به نقش‌ها و اصالت‌های تاریخی

ارتباط عاطفی انسان‌ها با گذشته خویش، همواره آن‌ها را بر این امر هدایت نموده که آن را به دیده احترام بنگرد. این وابستگی، بعضی وقت‌ها چنان محکم می‌گردد که در مقابل هدایت انبیاء الهی نیز به راه و روش گذشتگان تکیه می‌شود.⁴⁶ از این رو خط مشی گذشتگان، یکی از دلایل شکل‌گیری گزاره‌های تصدیقی در فرآیند رفتارسازی می‌باشد. ظاهر ساختن جلوه‌های تاریخی یک فرهنگ خصوصاً مقاطع و حوادثی که در رشد و تکوین قافله تمدن بشری مؤثر بوده‌اند، از ابزارهای مهمی است که در نهادینه کردن ارزش‌ها و باورهای فرهنگی مؤثر هستند. کشورهای غربی با وجود اینکه در رشد و توسعه علمی مدیون رهاوردهای مشرق زمین هستند، به خوبی از این رهیافت برای گسترش مازادهای فرهنگی خود استفاده می‌کنند.

دولتمردان جمهوری اسلامی و نهادهای فرهنگی می‌توانند با توصیف روشن و جذاب اسطوره‌های علمی و تاریخی فرهنگ اسلامی، بستری را فراهم سازند که توجه به آن باعث علاقه‌مندی و پایبندی به عوامل خیزشی رفتارهای اسطوره‌های علمی و تاریخی شود تا مردم خصوصاً جوانان با پایبندی به افتخارات گذشته بتوانند به کارایی و ارزش‌مندی اعتقادات و ارزش‌های خود اذعان نمایند.⁴⁷

1-3-9. برخورد دوستانه و محبت‌آمیز با جوانان

عموم مردم باید با جوانان و نوجوانان برخوردی مناسب داشته باشند. باید به آرامی و با نصیحت و به صورت غیر مستقیم، آن‌ها را متوجه سازند. باید وسایلی را فراهم کرد تا دلشان خوش باشد، شاد باشند. مخصوصاً محیط خانواده برای آن‌ها گرم باشد و افراد خانواده با هم مهربان باشند تا از این رهگذر، انگیزه سرگرمی با فیلم‌های ویدئو و... در



آن‌ها کم شده و از بین برود.⁴⁸

از آنجا که یکی از اهداف اصلی تهدیدات نرم، جوانان هستند، باید جوانان را حفظ و آن‌ها را پرورش داد تا این نیروهای اجتماعی تولید کننده قدرت، علم و ثروت، به جرگه دشمن وارد نشوند و همچنان کارآیی خویش را حفظ کنند.

1-3-10. افزایش مؤلفه‌های خودباوری میان مردم

حضور اعتماد به نفس حقیقی، یکی از بارزترین عناصر مؤثر در قدرت نرم یک کشور است. در حقیقت، مفتخر بودن جامعه یک کشور به سنن، تاریخ، حال و امید به آینده خود، نشان از یکی از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم دارد. منشأ این اعتماد به نفس را می‌توان در منابع بسیاری جست و جو کرد. افتخار به آئین و مذهب، رضایت از زندگی در جامعه خودی، ارجحیت دادن فکر و کالای کشور خود به دیگر کشورها، آمادگی برای هزینه دادن در راستای استقلال سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی خود، و بسیاری موارد دیگر از جمله این منابع می‌باشند.

افزایش مؤلفه‌های خودباوری در کنار تأثیرات داخلی و ایجاد استحکام درونی، جلوه‌های جذاب و عمیقی نیز در ارتباطات خارجی یک کشور بازی می‌کند. در حقیقت، اعتماد به نفس، یکی از جذابیت‌هایی است که در نگاه ناظران خارجی به افراد، جامعه و ساختار یک کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. نگاه مثبت مردم جهان به شیوه و امکانات زندگی در کشورهای اسکاندیناوی، غرور تکنولوژیک ژاپنی‌ها، تلاش دولت و ملت کره جنوبی برای تاریخ‌سازی و کهن نشان دادن آن سرزمین پس از تسخیر بسیاری از بازارهای جهانی در حوزه تکنولوژی، همگی از مثال‌های این امر به شمار می‌آیند.⁴⁹ در خصوص ایران باید به تمدن با فرهنگ غنی توجه داشت؛ هرچند در این خصوص، کاستی‌هایی وجود دارد، اما باید دولتمردان و مسئولان، این خود باوری را در بین آحاد ملت ایجاد نمایند.

1-3-11. گسترش فعالیت‌های داخلی رسانه ملی

لازم‌ترین اقدام در حوزه فرهنگ و رسانه و برای مقابله با دشمنان انقلاب و توطئه‌هایی که به صورت نرم برای جوانان کشورمان طراحی شده‌اند، سرمایه‌گذاری گسترده برای تولید محصولات فاخر است. با تولید محصولات رسانه‌ای گسترده و در شأن و منزلت جمهوری اسلامی، می‌توانیم از اقتدار پربرابر بودن فرهنگ خود دفاع کنیم.

گسترش شبکه‌های داخلی تلویزیونی به گونه‌ای که مردم بتوانند به راحتی برنامه‌های همه شبکه‌های ایرانی را ببینند. این امکان موجب می‌شود تنوع و قدرت انتخاب برای مخاطبان، بسیار افزایش یابد و یکی از جذابیت‌های ماهواره تا حدودی جبران گردد. راه‌اندازی شبکه تلویزیونی ویژه فیلم در کنار توسعه سواد رسانه‌ای به معنای تجهیز کردن مخاطبان رسانه‌ها به توانایی‌ها و مهارت‌های تحلیل، نقد و ارزیابی محتوای رسانه‌ها با این رویکرد که افراد، متفکرانی منتقد باشند و خود نیز به مولدان خلاق پیام‌ها تبدیل شوند. در واقع، سواد رسانه‌ای، پاسخی ضروری، اجتناب‌ناپذیر و واقع‌نگر به محیط الکترونیکی پیچیده و همواره در حال تغییر و تحول اطراف ما می‌باشد. از آنجا که استعمار فرانو با استفاده از شیوه‌های اقناعی و تبلیغی به گسترش ارزش‌های خود در دیگر جوامع می‌پردازد و به ویژه برای استحاله و براندازی نظام جمهوری اسلامی، بر تهاجم فرهنگی و اقدامات رسانه‌ای تأکید دارد و نیز باتوجه به ارزش‌های جهانشمول اسلامی و توحیدی جمهوری اسلامی، لزوم تدوین استراتژی رسانه‌ای و تبلیغی کشور در ابعاد آفندی و پدافندی کاملاً ضروری می‌نماید.⁵⁰ از این رو در کنار سند چشم‌انداز 20 ساله کشور، باید راهبرد کلان تبلیغی و رسانه‌ای کشور تدوین شود.

1-3-22. تولید انسجام اجتماعی

در شرایطی که نظام اجتماعی با افول قدرت هویتی روبه‌رو می‌شود، طبعاً نیرویی که بتواند هویت‌های پراکنده را سازمان‌دهی نموده و از همه مهمتر، اینکه قابلیت مؤثر و وحدت‌بخشی جامعه را داشته باشد، به منزله محور سازمانی برای امنیت‌سازی تلقی خواهد شد. این امر با اصل حداکثرسازی انسجام هماهنگی دارد. کشورهای همانند اتیوپی، سودان، نیجریه، ترکیه، آفریقای جنوبی، یوگسلاوی، سریلانکا و اتحاد شوروی در زمره واحدهایی هستند که از انسجام لازم برخوردار نبوده و در نتیجه با مخاطرات امنیتی متنوعی جهت تولید قدرت روبه‌رو بوده‌اند. چنین کشورهایی فاقد نهادها و سازمان‌هایی بوده‌اند که نقش مؤثری در بسیج نیروهای اجتماعی داشته‌اند. از این رو امنیت ملی در جوامع مختلف در شرایطی ارتقاء می‌یابد که جامعه بتواند به همبستگی اجتماعی دست یافته و نظام سیاسی نیز قادر باشد همبستگی اجتماعی را به انسجام ساختاری تبدیل کند. انسجام اجتماعی، زمینه‌های لازم برای حداکثرسازی همکاری و مشارکت گروه‌های

لازم برای امنیت نرم را ایجاد نمود. جمهوری اسلامی ایران نیازمند به کارگیری شیوه‌ها و **115**



الگوهایی است که بتواند نیروهای اجتماعی را در راستای اهداف مشترکی فعال نماید. اهداف مشترک در راستای «اهداف معطوف به سودمندی» و همچنین «اهداف معطوف به ارزش» سازماندهی می‌شود. این امر به مفهوم آن است که جمهوری اسلامی باید از قابلیت و مطلوبیت مؤثری برای سازماندهی رفتارهایی برخوردار باشد که اولاً مبتنی بر سودمندی باشد و ثانیاً زمینه‌های لازم برای تحقق ارزش‌های ساختاری را فراهم نماید. با این تفاسیر، ایران باید در راستای مقابله با تهدیدات امنیتی نرم دشمن، بر انسجام اجتماعی خویش در سطح جامعه بیفزاید.

1-3-33. افزایش دادن اقناع و متقاعدسازی

اقناع و متقاعدسازی با هدف ایجاد یا تغییر عواطف و احساساتی است که شکل دهنده رفتار دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افراد صورت می‌گیرد. هر چند بحث اقناع در حوزه روان‌شناسی اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اما ماهیت و طبیعت انسان به گونه‌ای است که بیش از آنکه عنصر اجبار، شکل دهنده رفتار فردی و جمعی او باشد، عنصر اقناع و متقاعدسازی با نقش مؤثر و پایداری می‌تواند در تعیین روابط و مناسبات سالم و سازنده او با دیگران و با جامعه مؤثر واقع شود. اقناع و متقاعدسازی توسط رسانه‌های ملی، ضریب اطمینان مردم به رهبران نظام و دولتمردان را بالا برده و مشروعیت سیاسی، سیاست‌ها و اقدامات آن‌ها را مورد تأیید افکار عمومی قرار می‌دهد. این امر ضمن آنکه به ترمیم شکاف احتمالی میان دولت و مردم کمک می‌کند و زمینه‌ساز حمایت توده مردم از سیاست‌های دولتمردان می‌شود، مشوق دولت در تأمین امنیت ملی و ابعاد مختلف آن، به ویژه امنیت فرهنگی می‌شود. اجماع برخاسته از روح اقناع و متقاعدسازی توده‌ها در واقع، موجد یک روح جمعی و اراده بنیادین در حمایت از نظام سیاسی حاکم خواهد بود. نظام سیاسی حاکم اگر از پشتوانه معنوی و حمایت توده‌ای مردم برخوردار باشد، با سهولت، قادر به تأمین امنیت ملی و ابعاد مختلف آن، خاصه ابعاد فرهنگی آن می‌باشد. پس جمهوری اسلامی باید در راستای مقابله با تخریب‌های نرم دشمنان بر توانایی متقاعدسازی و اقناع خویش بیفزاید.

1-3-44. اطلاع‌رسانی مطلوب

امروزه در دنیایی زندگی می‌کنیم که می‌توان آن را «خانه شیشه‌ای» نامید. این تعبیر، کنایه از وضعیتی است که رسانه‌ها به وجود آورده‌اند و گویای این حقیقت است که

پیشرفت انواع و اقسام تکنولوژی‌های رسانه‌ای، امکان کتمان و سرپوش نهادن بر رویدادهای خبری را به کم‌ترین حد خود رسانده و همین نکته باعث شده است که دولت‌ها و آژانس‌های خبری در سراسر دنیا در ارائه و خبررسانی، گوی سبقت را از یکدیگر ببرایند. در این شرایط به هر نسبت که رسانه‌های خودی و خصوصاً سازمان صدا و سیما در این حوزه کوتاهی نماید، به همان نسبت، دشمن از طریق ارائه خبر مطابق با سیاست‌های تفرقه افکنانه خود در مسموم کردن فضا و ایجاد التهاب در جامعه به اهداف خود نزدیک‌تر می‌شود. در این راستا جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به دستاوردهای مهمی دست یافته است، اما باید بر سطح و عمق این دستاوردها افزود تا از شایعه پراکنی‌ها، بزرگنمایی‌ها و سایر موارد جلوگیری نمود.

نتیجه‌گیری

قدرت نرم و واژه‌های مترادفی که در راستای آن به کار می‌روند، در دهه حاضر از حوزه تئوری خارج شده و وارد عرصه عمل شده‌اند و در عرصه‌های گوناگون، سایر دولت‌ها را با تهدید مواجه ساخته‌اند. قدرت‌های نوین در قالب قدرت نرم، از ابزارها و امکانات جدیدی استفاده می‌کنند که ویژگی‌های متمایزی از انواع دیگر دارد. از این رو بررسی و شناخت قدرت نرم برای همگان، علی‌الخصوص مسئولان حکومتی مهم است تا بتوانند پادزهری در قبال این سم‌ها تجویز نمایند. قدرت نرم در سطوح گوناگونی از قبیل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به اجرا در می‌آید. قدرت نرم در این مسیر از ارکانی چون اعتبار، باورها و ارزش‌ها و اعتماد بهره می‌گیرد. از این رو کارکردهای قدرت نرم بسیار مطلوب بازیگران جدید است که این کارکردها به این شرح است: شکل‌دهی به نگرش‌ها، هدایت‌گری و تصمیم‌سازی، کاهش هزینه‌های جاری، آینده‌سازی و پشتیبانی از قدرت سخت. قدرت نرم، امروزه در عرصه عمل، علیه کشورهایی به کاربرده می‌شود که از اتحاد و انسجام بالا و فرهنگ مقاومت و پایداری بالایی برخوردار هستند. البته رویکردهای مقابله‌گرا در این راستا، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد. ایران از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر به شدت با قدرت نرم دشمنان مواجه بوده است. از این رو جست‌وجو در جهت دستیابی به راهکارهایی جهت مقابله ضروری می‌نماید. البته توجه به این نکته الزامی است که باید منطق راهکارها مشخص و در تمامی ابعاد تهاجمی دشمنان اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، راه‌حلی‌هایی ارائه داد. برخی از این راهکارها جهت

مقابله با قدرت نرم دشمنان که بر اساس توانایی، ظرفیت و شرایط موجود ایران طرح‌ریزی شده‌اند، را می‌توان در این موارد بیان کرد: دشمن‌شناسی، تولید علم و فناوری، افزایش افق و متقاعدسازی، اطلاع‌رسانی مطلوب، مدیریت قدرت نرم در حوزه‌های امنیتی - دفاعی، تولید انسجام اجتماعی، بهره‌گیری از ابزارهای دشمنان، برخورد دوستانه با جوانان، توجه به فرهنگ و اصالت‌های تاریخی، مواجهه علمی با تهدیدات، تدوین طرح جامع تربیت اسلامی، تقویت رسانه‌های داخلی، مقابله با برنامه‌های ماهواره‌ها، دفاع از دین، مهندسی فرهنگی، توسعه‌گرایی در چارچوب گفتمان اسلامی، دستیابی به خودکفایی و استقلال و غیره. البته ارائه راهکارهایی برای سیاست‌سازی‌ها نیازمند، کاوش‌ها و مطالعات بسیاری است که در حوزه آینده‌پژوهی قدرت نرم ضروری می‌نماید.



پی‌نوشت‌ها

1. حسین رفیع، و سید محمد جواد قربی، اپیستمولوژی چهره ژانوسی قدرت نرم و موقعیت پارادایمی آن در عصر مدرن، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، سال دوم، شماره‌گان 7 و 8، پائیز و زمستان 1388، ص 142.
2. ریاحی، 1389، 13 - 12.
3. سید محمدجواد قربی، تیپولوژی قدرت در روابط بین‌الملل با ابعاد نظریه‌پردازی؛ «از قدرت سخت تا قدرت گیج»، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال نهم، شماره 99، مرداد ماده 1390.
4. افشین متقی، *جنگ نرم و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، در *جنگ و قدرت نرم از نظریه تا عمل* (تهران: نشر ساقی، 1387) ص 69.
5. حسین پوراحمدی، *قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران* (قم: بوستان کتاب، 1389) ص 53.
6. روح الله احمدزاده، و محمد صادق اسماعیلی، *فرهنگی شدن سیاست خارجی، رویکردی نرم افزارانه*، در *قدرت نرم* (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ج 3، ص 67.
7. حسین رفیع و سید محمد جواد قربی، *کالبد شکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن*، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال سیزدهم، شماره 47، تابستان، 1389، ص 120.
8. علی محمد نائینی، *در آمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم*، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره 28، بهار 1389، ص 6 - 5.
9. محمود عسگری، *رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم*، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره 28، بهار 1389، ص 67.
10. سیامک باقری، بسیج و مدیریت قدرت نرم؛ رویکردی سیستمیک، *در قدرت نرم*، *فرهنگ و امنیت* (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ج 3، ص 218 -

11. محمدرضا شعبانی و عبدالله هندیانی، بسیج، شناخت و مدیریت تهدیدات نرم، در قدرت نرم (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ج 3، ص 300.
12. علی محمد نائینی، معنا و مفهوم قدرت و تهدید نرم در مطالعات امنیتی، در قدرت نرم (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ج 3، ص 204.
13. سیامک باقری، پیشین، ص 220 - 219.
14. همان، ص 220.
15. محمدرضا ریاحی، ایران و آمریکا، توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه (تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، 1390) ص 28 - 27.
16. آذر آقا داداشی، کمین، نظری بر جنگ نرم (زنجان: انتشارات دانش زنجان، 1389) ص 78 - 74.
17. همان، ص 84 - 83.
18. دانشگاه عالی دفاع ملی، تهدید نرم و راهبردهای مقابله (تهران: انتشارات دعا، 1388) ص 31 - 28.
19. علی اکبر خزائی، مدیریت بحران، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هفتم، شماره 57، مرداد ماده، 1388، ص 18 - 17.
20. مهسا ماه‌پیشانیان، راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل (تهران: نشر ساقی، 1389) ص 258.
21. افشین متقی، پیشین، ص 366 - 365.
22. همان، ص 368.
23. حسین پوراحمدی، پیشین، ص 83.
24. فاطمه سلیمانی پورلک، قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا، ص 318 - 317.
25. همان، ص 319.
26. احمدحسین شریفی، جنگ نرم (قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) 1389، ص 266.



- 27 حسین جوشقانی، *جنگ نرم، از دیدگاه قرآن* (تهران: نشر ساقی، 1389) ص 243 - 241
- 28 طاهره ترابی، *بازخوانی قدرت نرم، در قدرت نرم* (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ج 1، ص 105 - 104.
- 29 همان، ص 166.
- 30 یدالله محمدی، *امنیت فرهنگی و نظام رسانه، در عملیات روانی و رسانه*، به کوشش حجت الله مرادی و دیگران (تهران: نشر ساقی، 1389، ص 300 - 299.
- 31 محمدرضا ریاحی، *پیشین*، ص 250.
- 32 محمد حیدری، *محیط منطقه‌ای و راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، در *استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، 1384) ص 272.
- 33 همان، ص 319.
- 34 محمد حسین الیاسی، *مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی تهدیدات نرم، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل*، حجت الله مرادی (تهران: نشر ساقی، 1389) ص 63.
- 35 آذر آقا داداشی، *پیشین*، ص 907 - 104.
- 36 علیرضا احمدی، *پیش طرح الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت* (تهران: انتشارات تولید دانش، 1390) ص 20 - 2.
- 37 حسین پوراحمدی، *پیشین*، ص 184 - 183.
- 38 ابوالفضل امیری، *تهدید نرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی* (تهران: انتشارات پگاه، 1389) ص 131 - 130.
- 39 حسین جوشقانی، *پیشین*، ص 263 - 255.
- 40 لطفعلی لطیفی پاکده، *براندازی نرم و ناتوی فرهنگی* (قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت، 1389) ص 127 - 126.
- 41 حسین متفکر، *جنگ روانی* (قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، 1388) ص 196.

- 42 همان، ص 198 - 197.
- 43 محمود جعفرپور، قدرت نرم، درآمدی بر جنگ رسانه‌ای و رایانه‌ای، قدرت نرم (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ص 333.
- 44 احمدحسین شریفی، موج فتنه از حمل تا جنگ نرم (تهران: کانون اندیشه جوان، 1388) ص 170 - 169.
- 45 محمدباقر بابایی، فرهنگی و تفکر بسیجی و قدرت نرم، در قدرت نرم (تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، 1387) ص 111 - 109.
- 46 سوره مائده، آیات 1 و 4.
- 47 محمدباقر بابایی، پیشین، ص 108 - 107.
- 48 محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، به تحقیق و نگارش عبدالجواد ابراهیمی (قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1387) ص 174.
- 49 ژانت بلیک و محمود رضا گلشن پژوه، قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره 55، تابستان، 1389) ص 136 - 135.
- 50 محمدرضا ریاحی، پیشین، ص 255 - 254.

